

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
ویومیه (جلالتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

سپهرالملکین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است
اعلاز سطری دو قران است

(روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)
(بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است و مطلقا مسترد نمی شود)

شنبه ۱۱ صفر ۱۳۲۶ هجری قمری و ۲۹ اسفندماه جلالی ۸۲۹ و ۱۴ مارس ۱۹۰۸ میلادی

مباه ترتیب داد و چند ماه بعد از آن دیدیم يك نثر مهندس
فرنگی را دولت ایران مستخدم نموده که اصلاح عمل آب
و ازدیاد آنرا اقدام نماید و آن مرد بیچاره از کاری که در
فرنگستان داشت دست کشید و شاید شغل و مقامی که
سابق داشت خراب شد و بهم خورد و چندین سال در
مهمانخانههای طهران بسر برده و مکرر راپرتها در باب سد
اهواز داد عاقبت چون کنترا تش سر رفت مراجعت
نمود و تمیذایم در باب ما و مملکت ما چه خیال کرده و چه
عقیده حاصل نموده و چیزی که مسلم است اینست که آب
مملکت زیاد نشد و برای اینکه نظیر این امر دوباره
واقع نشود قدری درین باب تفصیل می دهیم
اداره تنظیم میاه باید جزء وزارت تجارت باشد
و اکثر کار را باید ایرانیها بکنند یعنی متصدیان محلی و اشخاصی
که در اروپا و مصر و هندوستان مهندسی آموخته مباشر
باشند و چند نفر مهندس فرنگی هم باشد که بواسطه کار
کردن در مصر و هندوستان تجارت عملی پیدا کرده باشند
زیرا که در فرنگستان اعمال مهندسی اینی بجهت زراعت
نادر است بواسطه اینکه عمده زراعت آن اقلیم دیمی است
و بنا بر این مهندسین فرنگی درین قسم اعمال تجربه ندارند
و کاری از ایشان ساخته نمیشود بلکه عمده اعمالی را که بجهت
ترتیب منابع آب و تکثیر آن لازم است ممکن است خود
ایرانیها بخوبی باخارج کم صورت دهند و در قدیم الایام اجداد ما
اینکار را کرده اند و بعضی از نمونههای آن هنوز در بسیاری
از اماکن مازندران موجود است و بند شاه عباس نزدیک
قهرود در چند فرسخی کاشان از این قبیل است حالام
باید همان قسم کار کرد و در دره های مرتفع ایران هر جا
آب جمع کردن ممکن باشد سد بست

(۰) (اصول اصلاحات و اجمع نموده قبل) (۰)

تنظیم میاه

یکی از اولین و مفید ترین اقداماتی که در ایران بجهت
ثروت مملکت باید کرد ترتیب يك اداره تنظیم میاه است
از روی قواعد صحیحه

چند سال قبل همه بخاطر دارم که در روز نامه
مقالات معتبره بنوسط اروپائیهی دانا نوشته شد در اثبات
این مسئله که مملکت مصر از احتلال امور مالیاتی ناگزیر است
و وسیله برای احتراز از این بلیه در مصر نیست و تمام
نویسندگان فرانسه و انگلیس و غیره این مطلب را تکرار
کردند تا اینکه انگلیسها در آن مملکت دست انداختند و
امروز جمیع عالم می دانند که وضع مصر تغییر کرده و
چندین سال سالیانه مبلغی فاضل داشته و مردم مصر حتی
دهاقین اکنون صاحب هزار ها لیره ثروت میباشند و این
تغییر وضع کلی يك اندازه از اصلاح وضع حکومت است
ولی عمده از تنظیم میاه می باشد که بواسطه انتفاع از آب
نیل چندین کرور جریب زمین بایر را در تحت زراعت
آورده اند در ایران هم در عرض چند سال می توان
بقدر چندین برابر خاک مصر زمین دایر نمود تمام خاک
عربستان و اراضی وسیعه در اطراف اصفهان تاجیکه مورچه
خورت و بالاتر و همچنین در کرمان و بلوچستان و تمام ایالات
کیلان و مازندران و غیرها مستعد است که بکلی تغییر حال
یابد و چند صد هزار برابر حالیه هر سال حاصل بدهد
بشرط اینکه اداره صحیحی بجهت تنظیم میاه این اراضی
تشکیل یابد و کار کند

چند سال قبل نگارنده خاطر مرحوم امین الدوله
را باین مسئله متوجه نموده که باید يك اداره بجهت تنظیم

بردن این امر مهم جمع نماید
 بمناسبت ترقی زراعت باید این نکته را هم خاطر نشان
 کنیم که دهاقین ایران از دهاقین اکثر ممالک اروپا باهوش
 ترند و از هیچکدام در جابجایی و زرنگی کمتر نیستند نظیر زارع
 اصفهانی یا نظری در هیچ مملکتی نیست پس چرا با این
 زرنگی و هوشیاری اینقدر فقیر است جواب این سؤال
 مشکل نیست و هر کس از احوال ایران مطلع باشد علت را
 میداند ولی برای آینده علاوه بر امنیتی که نتیجه مشروطیت
 خواهد بود وزارت فلاحت باید دهقان را کمک کند و
 وسایل جدید برای زارع فراهم کند یعنی آلات بهتر
 تهیه کند و کورت و رشوه را ترقی دهد و دواب برای تخم
 کشتن پرورش دهد مثلاً ایرانیها هیچ نمیدانند که عمل تخم را
 بواسطه یابو بهتر میتوان صورت داد تا کاه و هر وقت در
 دواب ناخوشی می افتد و کاه مرگی میشود چه بسیار اراضی
 غیر مزروع میباشد پس یکی از اهتمامات وزارت فلاحت
 باید این باشد که اسباب و آلات و بذر و دواب ایران را بهر
 وسیله ممکن شود اصلاح نماید و ترقی دهد (بقیه دارد)
 (هوادرقمه که سعدالدوله بوزارت عدلیه در ۲ صفر نوشته)
 فدایت شوم خدماتی که از ابتدای عمرم بدولت و
 ملة ایران کرده ام مخصوصاً بهتر از شخص جناب مستطاب
 عالی شاهد و گواهی نخواهد بود و خدماتیکه اخیراً بعالم
 مشروطیت نموده ام بر هیچکس پوشیده و پنهان نبوده در
 جراید و تواریخ ثبت و ضبط است تا اینکه جمعی برای
 اجرا و انجام مقاصد شخصی خودشان اعدام بنده را
 واجب دیده و هر چه توانستند بخمال حکم رانی و اسب
 دوانی در افواه و اذهان عامه شایع کردند گاهی گفتند
 مستبد شده ام گاهی گفتند مشروطه را مقننه می خواهم
 بگم گاهی گفتند برای انجامها قانون وضع می کند و
 غیره و غیره چون هیچیک از اینها قابل اعتنا نبود
 متعرض نشده و قانع بعلم و اطلاعات اشخاص مشروطه
 دان و قلوب منصفه بودم تا اینکه مصمم تبعید بنده شدند
 چون محکمه و تحقیق در میان نبود لابد شخصاً محافظ
 حقوق ملیه خود گردیدم و گوشه سفارت هولاند را
 اختیار کردم تا خداوند حکمی بر این مملکت مقدر و مقرر
 فرماید و حق از باطل شناخته شود و هم در مقابل
 خرافات جراید تا حالا می گویم باین ملاحظه بود که محکمه
 و مجازاتی در میان نبود حالا بمحمداتمه هم قانون انطباعات
 و مجازات از مجلس مقدس بیرون آمده و بصدقه مبارک
 موشح شده و هم مثل حضرتعالی شخص عالم بر اساس
 حقیقه مشروطیت در مقام عدالت منصوب گردیده عرض
 می کنم که امروز روزنامه موسوم بروح القدس را
 خواندم مسئله را راجع به بنده نوشته است چون پای

مدتها قبل از آنکه اروپاییها بی بعلم مهندسی
 ببرند سلاطین کیانی ما بر رود کارون و اکثر شعب آن سد
 بسته بودند و اکنون عقل و صرفه جوئی مقنضی است
 که هر جا اینکار اشکال زیاد نداشته باشد فوراً مشغول شویم
 و اعمال بر مخارج را برای بعدها بگذاریم
 بواسطه تنظیم مباحث و وسیله تحصیل بایر در
 تحت زراعت خواهد آمد و تماماً متعلق بدولت خواهد
 بود و میتوان چنین قرار داد که زارع آنها را زراعت کند
 و یک عشر از محصول را بعنوان مالیات بدهد و چون ترتیب
 آنها بدست دولت است بمیزی و نظارت بر مالیات هم سهل
 خواهد بود حال باید دید پولی که برای اینکار لازم است از
 کجا تهیه میشود نکته اینجا است که اگر امنیت و اطمینان
 باشد پول میاید و فراوان هم میاید در صورتیکه امنیت برای
 عامه برقرار باشد و مردم مطمئن باشند که پولی که بداره
 تنظیم مباحث میدهند از روی تدین بمصرف میرسد و بکار
 صحیح زده میشود صاحبان سرمایه چه ایرانی چه خارجه
 پول میدهند و دادن امتیاز انحصاری و تشکیل کیانی معظم
 نیز خطاست و در دولت مشروطه جایز نیست زیرا که تقض
 حقوق رعایا میشود تمام مردم میخواهند در امور صحیح
 پول و سرمایه بمصرف برسانند و بجهت همه باید بیک اندازه
 امکان داشته باشد پس صلاح دولت در اینست که یک اداره
 بجهت تنظیم مباحث برقرار کند و آنرا موافق مصلحت عموم
 اشخاصیکه در آن اداره پول میگذارند بکار بیندازد برای
 اینکه امتحان کنیم بهینیم پول جمع میشود یا نه خوبست
 وزارت تجارت این مسئله را در تحت تحقیق در آورد و
 توضیح کند که چه می خواهد بکند و دعوت نماید که
 مردم پولی را که برای این مقصود می خواهند بکار ببرند
 یا در بانک شاهنشاهی یا بانک روس بگذارند و قبض بگیرند
 و ربع متعارفی را هم دریافت کنند تا اینکه سرمایه بقدر کفایت
 جمع شود و بعد از آنکه حاضر شد صدقتر از میان آنها که از
 همه بیشتر پول داده اند جمع شده از میان خودشان یک کتبه
 مرکب از ده نفر ماکثریت آوا انتخاب کنند که در تحت
 نظارت وزارت تجارت مشغول کار شده اداره تنظیم مباحث
 راه بیندازد و اگر اشخاصیکه پول میدهند بخواهند اسم
 ایشان معلوم نشود ترتیب آنها باینکه سهل باشد باری و قتیکه
 کتبه تشکیل شد تمام سرمایه که بجهت این مقصود جمع شده
 بدست اومی سپارند

در ایران هیچ کاری نیست که باین زودی و باین خوبی
 قایده بدهد و ما از وزارت تجارت خودمان متنی هستیم
 این مسئله را در تحت تحقیق در آورد و یک کتبه تشکیل دهد
 و تمام لوازم ترتیب دادن پروگرام آنرا فراهم آورد و در
 ایران و خارج ایران در صدد برآید که سرمایه بجهت پیش

لیانه
 ۴۰ قران
 ۴۵ قران
 ۱۰ منات
 ۳۰ فرانک
 (بخه)
 دینار
 شاهای است
 ران است



نظر مهندس
 عمل آب
 کاری که در
 قاسمی که
 ن سال در
 ها در باب سد
 ت مرا جت
 کرده و چه
 نت که آب
 امر دوباره
 بیم
 تجارت باشد
 لی و اشخاصی
 بوخته مباشر
 بواسطه کار
 کرده باشند
 بجهت زراعت
 م دینی است
 تجربه ندارند
 مالی را که بجهت
 ن است خود
 الایام اجداد ما
 ز در بسیاری
 عباس نزدیک
 است حالاً هم
 ایران هر جا

جان جمی را در میان دید و تکلیف خود را در طلب محاکمه از عدله اعظم دیده و خواهش مندم بدون قبول يك روز مهلة و ماطله مدیر روز نامه و روح القدس را بدیوان عدالة جلب فرمائید که باحضور وکیل بنده محاکمه فرموده آنچه از استعطاق و محاکمه معلوم بشود موافق قانون مجازات حکم مثله را درباره طرفین جاری فرمائید چنانکه صورت عین این عارض نامه خود را بجا برید داده منتشر می نماید تا از نتیجه محاکمه وزارت عدله عموم ملة مستحضر گردیده بمدة خواهی و عزم حضرت عالی در حکم قضایا گواه و شاهد باشند زیاده تصدیق ندارد ایام عدالة مستدام باد

— (جبل المتین) —

ما در باب جناب سعد الدوله که آیا واقع خیاتی کرده یا خیر اظهاری نمیکنیم و نمیدانیم مراتب مندوبه بایشان واقفیت دارد یا خیر بهتر آنست که وجدان مشروطه طلبان حقیقی و حامیان عدالترا حاکم قضیه قرار دهیم که بدانند چرا کسی که معروف بابو الله بود مطرود الله شد باقانون مشروطية و داشتن محکمه عدلیه چرا باید سعد الدوله در گوشه سفارت هولاند زیست کند که نقض قانون مشروطية شود اگر در واقع خائن است چرا باید او کذا شدنش و بمحکمه حاضرش نکرد که پس از ثبوت تقصیر بجزای خود رسیده و عبرت سایرین شود و اگر وجود این مرد باعث فتنه است در هانجام که هست لابد مرجه بخواهد میتواند بکند اگر خیر تقصیری ندارد و از این نسبتها مبرا است چرا باید چنین وجودی عاقل و باطل نماید و کبیکه تا حال یوزن خود طلا از مال دولة و ملة صرفش شده باداشتن علم و عمل وجودش مهمل مانده و مصدر خدمتی بملة خود نشود باری از خدماتی که در زمان استبداد و مشروطیت نسبت بخود داده اند انهم تصدیقش باصا جان بصیرت و اطلاعت که داخل در کار بوده اند اما در مسئله صندوقها و شکایتی که از روح القدس دارند اون کبیکه مسئله صندوقها را عنوان کرد و از جناب نظام السلطنه و جناب مشیر الدوله علت ندادن حقوق کمر کبرا جو باشد جبل المتین بود انهم نه برای اینکه خدای نکرده شاید در آنها مواد ناریه باشد در صورتیکه تمام حرفها در ماده ایشان صدق باشد و بمراتب از آنچه گفته اند بالاتر باشد حاشا و کلا که چنین نسبتی بایشان تو ا ت داد و با کمال غرض در حق ایشان بشود چنین خیالی کرد غرض از تحقیق جبل المتین در این باب جهة ندادن حقوق کمرکی بود که مطابق چه قانونیست انهم بتوسط وزارت خارجه معلوم شد و در روزنامه درج گشت صندوقها هم جز اسباب سفارت چیز دیگر نداشت چنانکه از موثقین متعدد کشف این مطلب شده است جای

افسوس است که کسی ظنات خیالی و مو هومات را بدون هیچ بینه و دلیل درج صفحات جراید کرده یا از روی غرض و عناد چیزی بنویسد که جز اسباب نفرت عامه از روزنامه نتیجه دیگری نخواهد داشت نمیکویم روزنامه نویس باید معصوم باشد روزنامه نویس هم یکی از افراد ملة است و دارای هواهای تنسانی ولی وظیفه روزنامه نگاری آنست که چون قلم در دست گرفت ذهن را از شوائب او هام خالی کرده سینه را از لوث اغراض مصفا دارد دوست و دشمن خویش و بیگانه در نظرش یکسان نماید ننزیرسد مگر خیر دولة و ملة نخواهد مگر آسایش نوع طریق درستی و انصافرا از دست ندهد زیرا که روزنامه متعلق بملة است و پولشرا ملت میدهد پس در مال غیر نمیتوان تصرفات نامشروع کرد و خامه عرض را در جای غصب جولان داده اغراض شخصی را بکار برد باید خیر ملاحظه کرد و چیزی نوشت که نافع حال عموم باشد ولی چون ناخوش مهملک غرض مسریست و از رجال خود خواه مابهمه خلق سرایت کرده ما در باب جرایدرا نیز مبتلا ساخته بشوری که در وقت چیز نوشتن هم گاهی چشم از منافع عمومی می پوشیم چنانکه یکماه قبل در مثله سرحد استارا که خبر نکار اداره را برتی داده بود و ما بملاحظاتی چند درج نکردیم فر دای آرزو مطلب فاش و در مجلس مقدس علنا موضوع بحث گشته و وکلای محترم سخت بر آشتند پس از آن ما نوشتیم حال که این مسئله واضح و عانی شد باید چنین و چنان شود باینکه حریفی قوی و قاهر در مقابل داشتیم چشم از مصالح ملک و ملة نبوشیده و آنچه صلاح دولة دانستیم گفتیم از آنجائیکه ماده بعضو ضعیف میریزد حریف بر ما بر آشت و چون حرفی برخلاف قانون زده بودیم مثلها را کوتاه کرده گذشت و گذشتیم دوروز قبل دیدم یکی از همقلمان مثلها را از سر گرفته و مطلبرا تازه نموده بعد از مدتی صحبت یکماه قبل را تردید می کند و تراکت بین المللی را بی مناسبتی میان آورده و ما را تهدید می نماید غافل از آنکه شقیقه ربطی بهایشان ندارد تراکت بین المللی خارج از ما نحن فیه است و وظیفه روزنامه نویس آنست که آنچه صلاح و مصلحت ملة می داند بنویسد و هیچ منافی با تراکت بین المللی نیست امپراطور آلمان مهمان امپراطور انگلیس است جراید طرفین میدان مبارزه کشوده و رزم از ما می کنند در عالم خیال شکست و فتح طرفین را جلوه می دهند هیچ اسباب دلگیری دولتین نمیشود و جراید خارجه باینکه همسایه مانیستند هزار گونه تهمتها میزنند با ما تراکت بین المللی بر نمیخورد تا چه رسد باینکه روزنامه نویسی صلاح دولة خود را بگوید از آن گذشته باید فهمید در موقع گاه تشکر غلط است و هنگام شکایت امتنان قبیح بی ما با همسایگان

روایع غرض و تفاق استشام می کنند بلوایع خبرخواهانان
و نصایح مشفقانه صحیح را از تقسیم و درسترا از نادرست معلوم
نمایند باری رشته کلام مسئله جناب سعدالدوله را از میان
برد لایق دروزارت عدلیه بنسب اظهار اظهار که کرده اند
تحقیقات کامله بعمل خواهد آمد ولی ارباب جراید هم
میتوانند از ایشان مدعی شرف شوند و الحقی از ایشان خیلی
بمید است که نسبت خرافات بعموم جراید دهند بدون
استنا و هرگز از ایشان که خود را کامل و دانشمند و ادیب
وقت میدانند چنین گله شایسته نبود

ترجمه تلکرافات خارجه

از قرار تلکرافی که از طهران بروزنامه طمس رسیده
پس از احتراق نارنجک سواران کشیکخانه متفرق شده و
از هر طرف بلا اراده تیر می انداختند و افواج سرباز در همان
موقع احضار و مهیای جلوگیری اغتشاشات گردیدند
تلکرافی از پطرزبرغ حاکی است که پارلمان ایران
تشکرات و تهنیهای صادقانه خویش را بجهت سلامتی اعلیحضرت
هایوتی تقدیم شاهنشاه نموده و میدان جلو پارلمان را امشب
جراغان نموده اند

از لندن بنا بر تلکرافی از روسیه مامورین کمیون سرحدی
عثمانی از ارومیه بقطور رفته اند

(اعلان)

بعثت تغییر محل انجمن وطن (علمی) هیئت اداری
آن انجمن از تمامی اعضای همان انجمن محترم با کمال توقیر
خواهشمند است که روز دوشنبه سیزدهم اینماه از سه ساعت
بنروب مانده به خانه قدیم جناب نظم الدوله واقع در چهار
راه کنت (محله شاه آباد) تشریف آورده در موقع
مذاکرات مهمه شرف حضور ارزانی فرمایند

(اعلان)

انجمن محترم رابط دوشنبه ۱۳ صفر در انجمن
منصور خیابان چراغ کاذ منزل ضیاء السلطان منعقد است

(اعلان)

قانون وزارت جلبه داخله و دستور العمل حکام
که از تصویب مجلس مقدس شورای ملی گذشته و بصحبه
همیونی موشح گردیده و امتیاز طبع آن مخصوص بجناب
میرزا محمود خوانساری و یک مجلس مقدس می باشد
این اوقات در کمال بیخه و مراقبت از خط و کاغذ و طبع
که مشتمل بر اینصند فصل است تمام شده و از قرار جلدی
سه قران در مراکز ذیل بفروش می رسد دفتر خانه
مجلس مقدس — محاذی تلکرافخانه مغازه میرزا علیخان
کتابفروش — خیابان امیرخان سردار دواخانه شمشیه —
بازار بین الحرمین حجره خود آقا میرزا محمود کتابفروش
(حسن الحسینی الکاشانی)

کمال رابطه اتحاد و داددرا داریم و اساس دوستی محکم است
و در موقع ابراز همراهی و حمایت از ما نهایت تشکر و امتنان
را بجای می آوریم ولی اگر خدای نکرده حرکتی به بینم
که مخالف طریق و داد باشد دور از مروت است خاموش نشینیم
لایق شکوه و کله آغاز می کنیم چنانچه از همراهی و مساعدت
روس و انگلیس در موارد عدیده خاصه در تخریب ساوجبلاغ
طامه ایرانیان متشکرند ولی از تقسیم جغرافی ایران که می
گویند عاقبت خوشی شاید برای ما داشته باشد نالان امتنان
بجای خود دوست است شکوه بوقع خویش صحیح چنانکه
از فرقه آزادی طلب و جراید منصف انگلستان کمال امتنان را
داریم ولی وقتیکه روزنامه طمس یک خبر واهی ناقابلیرا
که بتوسط خبر نگار خود درج می کند و نسبت بشاهنشاه
ماسوه ادب بجای می آورد و وظیفه ما و ایرایت خود می دانیم
که آن خبر را تردید کرده و مقام مقدس پادشاه را از اینگونه
الایشات مبری دانیم و در این باب نهایت شکوه را هم می کنیم
و از خیر خواهی دولت و مامور خود نیکدردیم و لوجب بمحکمه
شویم و مدعی شرف پیدا کنیم این مراتب ابتدا ربطی به
تراکت بین المللی ندارد — پس از این اقدامات با کمال جسارت
عرض می کنیم که اگر همکار محترم بایکفش ما کرده و سر
غرض با ما دارد اولاً با کمال معذرت عذر می خواهیم که
مارا سر پرشوری در اینکارها نیست بهتر آنکه مارا بحال
خود گذارند چنانکه ما بفرک ایشان نیستیم بضد ما نباشند
و اگر خیلی مایلند که مارا دنبال کنند و نکته بر ما گیرند
خوبست لافل پس و پیش کاروا سنجیده موقعی مناسب
بدرست آوند و ایرادی بجای وارد آوند اگر مسئله معهود
لایق تردید می بود باید و کلا محترم و مجلس مقدس را تردید
نمایند نه مارا ایراد تراکت بین المللی هم بر مجلس مقدس
وارد است نه بر ما حیف است شخص حقوق یک مملکتی را
محض ملاحظه و اغراض شخصی یا مال نماید این ملاحظات و
این تفاتی و خصومتها است که کار ما را اینجا کشیده که به نهایت ضعف
و ذلالت اندریم و باز از حقوق خویش بهره و بی خبریم که اگر یک بد
بختی مثل ما بخواهد حفظ آبروی دولت و شئون سلطنت خود را
نماید و بطلان عقیده بدگویانرا ثابت کند مدعی شرف پیدا
می کند باید از کارش دست کشیده برود در محکمه باسی نشر
طرف شود چرا خواسته است خدمتی بملت خود نماید
اگر در مقام خیر خواهی دولت اظهار می کند و ملنا از
تعدیات بیگانه اکاهی دهد پس از یکمدتی مدعی تازه پیدا
می کند و بمقام معارضه بر می آید امیدواریم خداوند بهم
خاصه باز باب جراید دلی پاک و قلبی تائبانه مرحمت نماید
که همواره نظر بتنافع عموم و مصالح قوم داشته باشیم و
کرد غرض و هوای نفس نکریم از دانشمندان وطن
متوقیم که نظر توجیبی بعموم جراید داشته و هر جا که